

# شروع غم انسان



مترجم Nahid Sepehri

بازگویی از M. Maillot; Tammy S.

دانستان 2 از 60

M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg MB R3C 2G1 Canada

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



20

19



22

21

شروع غم انسان

دانستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

پیدایش ۳-۶

"کشف کلام تو نور می‌بخشد."

مزمر ۱۱۹: ۱۳۰

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا چهاریان را اندیز محبت نمود که پسر یگانه خود را فرستاد تا برگش روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این سهیله خدا اکنون می‌تواند گناهان ما را بپخشد.

اگر می‌خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را تند بخن: خداوندا من ایمان دارم که عیسی برای گناهان من مرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می‌کنم وارد زننگی من بشو و گناهان مردا بپخشد تا بتوانم زننگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو باشم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو برای تو زننگی کنم. آمين.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!

"شما مانند خدا  
خواهید شد." حوا دلش  
می‌خواست از میوه آن  
درخت بخورد و چنین  
نیز کرد.



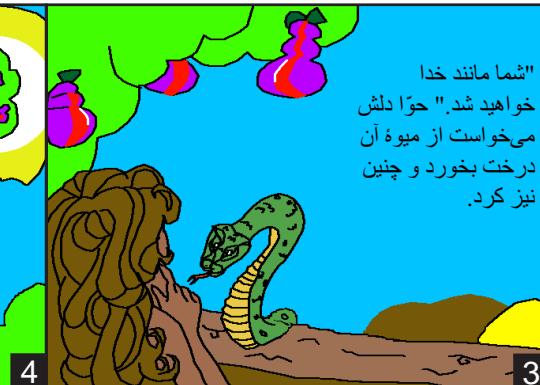
در هنگام غروب خدا به باع عنده آمد. او  
می‌دانست که آدم و حوا چه کاری انجام  
داده‌اند. آدم گناه را به گرفتن حوا انداد  
و حوا گفت که این تقصیر مار بود. خدا  
گفت: "مار لعنت شده و زن هنگام  
به دنیا آوردن بچه‌هاش  
درد خواهد کشید."



وقتی آدم  
و حوا گناه کرند، هر دو  
متوجه شدند که لباس بر تن ندارند. بنابراین از برگ‌های  
درخت اجیر برای خود پوششی درست کرند و از  
حضور خدا خود را در پشت بوته‌ها پنهان کرند.



بعد از این که حوا از خدا ناطاعتی  
کرد، به شوهر خود نیز از آن میوه  
داد. آدم نباید می‌پذیرفت بلکه باید  
می‌گفت: "آنا من  
از فرمان خدا  
سرپیچی نخواهم  
کرد."



"آدم به خاطر گناه تو زمین لعنت شده  
است و از این پس خاک و خاشک  
خواهد رویانید. تو با زحمت و عرق  
ریختن نان روزانه‌ات را به دست  
خواهی آورد."



بعد از مدتی فرزندانی برای آدم و حوا به دنیا آمدند. اولین  
پسر آنها قائن نام داشت و او کشاورز بود و پسر دوم آنها  
هابیل چوپان بود.



آشنینی درست کرد که توسط ان مانع  
برگشت آدم و حوا به باع عنده شود.  
خدا از پوست حیوان برای آدم و  
حوا لباس درست کرد. آیا می‌دانید  
پوست حیوان را  
از کجا اورد؟



خدا آدم و حوا را از باع زیبای  
عدن بیرون کرد. زیرا آنها گناه  
کرده بودند. آنها از زندگی‌ای  
که خدا به آنها  
بخشیده بود،  
 جدا شدند.



خدا از قائن پرسید: "برادرت هابیل کجاست؟" قائن جواب  
داد: "مگر من نگهبان برادرم هستم" خدا قائن را تنبیه کرد  
به طوری که او دیگر نمی‌توانست  
کشاورزی کند و به این ترتیب در  
جهان پریشان و آواره شد.



خشش قائن از بین نرفت. بعد از مدتی  
در اثر آن خشم، قائن در مزرعه به  
برادر خود حمله کرد و او را کشت.



اما خدا از قربانی قائن خوش نیامد.  
به همین دلیل قائن سپیار خشمگین شد.  
اما خدا به او گفت: "اگر آنچه را که  
درست است انجام دهی، آیا پذیرفته  
خواهی شد؟"



14

12

11



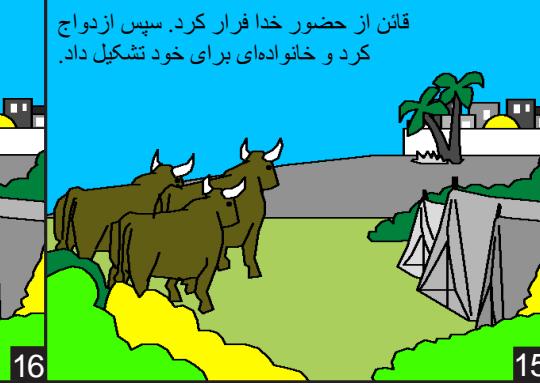
وقتی پسر آنها یعنی شیث به دنیا آمد حوا گفت: "خدا شیث  
را به من داد تا جایگزین هابیل شود." شیث  
مرد مؤمنی بود که ۹۱۲ سال زندگی کرد  
و فرزندان زیادی داشت.



در همین هنگام خانواده آدم و حوا نیز به  
سرعت رشد می‌کرد. در آن زمان‌ها عمر  
انسان‌ها طولانی‌تر از امروز بود.



بزودی فرزندان قائن و نسل او سرزمینی  
را که او درست کرده بود پُر کردند.



قائن از حضور خدا فرار کرد. سپس ازدواج  
کرد و خانواده‌ای برای خود تشکیل داد.

18

17

15